



doi 10.22059/jis.2022.343207.1124

Research Paper

## Evaluating Mourning Ceremonies of Aristocrats and Ordinary People Based on Travel Writers' Reports in the Qajar Period

Abbas Mirzaei<sup>1✉</sup> | Ali Balvardi<sup>2</sup>

1. Corresponding Author; Assistant professor Department of theology and religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: [a\\_mirzaei@sbu.ac.ir](mailto:a_mirzaei@sbu.ac.ir)
2. Ph.D. specialized, educational teacher, Islamic ethics, Iran. Email: [alibalvardii@yahoo.com](mailto:alibalvardii@yahoo.com)

### Article Info.

### Abstract

**Received:**  
2022/06/22

**Accepted:**  
2022/11/08

**Keywords:**  
*Qajar, travel writers, mourning, aristocracy, ordinary people.*

Mourning ceremonies related to Muharram have had a special place in the Qajar period, but the views of the Qajar aristocracy and nobility with ordinary people about these ceremonies cannot be considered the same. These two classes have had different traditions in holding mourning ceremonies. In this article, this issue was studied based on the reports written by the foreign travel writers of the Qajar period and it was tried to answer the question of what differences there have been between the mourning traditions of the Qajar aristocracy and nobility and ordinary people based on these travelogues. This hypothesis was followed that the aristocracy and nobility probably held mourning traditions at a different level from that of ordinary people in terms of rituals, luxuries, and expenses because of having greater access to wealth resources. Hence, by examining 22 travelogues, which were based on the travel writers' objective observations, it was concluded that the aristocracy and nobility differed from ordinary people in terms of their mourning places and forms, as well as expenses. They followed different rituals and customs when holding these ceremonies.

**How To Cite:** Mirzaei, Abbas; Balvardi, Ali (2023). Evaluating Mourning Ceremonies of Aristocrats and Ordinary People Based on Travel Writers' Reports in the Qajar Period. *Journal of Iranian Studies*, 13 (4), 111-126.

**Publisher:** The University of Tehran Press.





## عزاداری اشراف و مردم عادی در آثار سفرنامه‌نویسان دوره قاجار

عباس میرزایی<sup>۱</sup> | علی بلوردی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول؛ استادیار دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران. رایانامه: [a\\_mirzaei@sbu.ac.ir](mailto:a_mirzaei@sbu.ac.ir)

۲. دانشجوی دکترای تخصصی، مدرس معارف، گرایش اخلاق اسلامی، ایران. رایانامه: [alibalvardii@yahoo.com](mailto:alibalvardii@yahoo.com)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

عزاداری و مراسم مرتبط با محرم در دوره قاجار، جایگاه خاصی داشته‌است، به گونه‌ای که طبقات مختلف جامعه آن را برگزار می‌کرده‌اند. از سوی دیگر، دوره قاجار، دوره گذار از سنت به مدرنیته در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. این دگرگونی در ساحت‌های گوناگونی آشکار است. مراسم محرم نیز از این تغییرات دور نمانده، به گونه‌ای که نمی‌توان نوع نگاه طبقه اشراف و اعیان قاجار را با مردم عادی و توده در این مراسم یکسان برشمرد. این دو طبقه، رفتارهای متفاوتی در برگزاری عزاداری‌ها داشتند. مکان‌ها و سبک‌های عزاداری در کنار ورود تجملات به این مراسم از بخش‌هایی است که می‌توان تفاوت میان این دو طبقه را در آن مشاهده کرد. منابع سفرنامه‌نویسی، یکی از شاخص‌ترین دسته منابعی است که این تفاوت را به خوبی روایت کرده‌است. مقاله پیش رو براساس گزارش‌های سفرنامه‌نویسان خارجی دوره قاجار، این موضوع را بررسی کرده و تلاش کرده به این پرسش پاسخ دهد که بر پایه این سفرنامه‌ها چه تفاوت‌هایی میان سنت‌های عزاداری اشراف و اعیان قاجار از یک سو و مردم عادی از سوی دیگر وجود دارد. فرضیه نویسندگان این بوده که طبقه اشراف و اعیان، احتمالاً به سبب دسترسی بیشتر به منابع ثروت، سنت‌های عزاداری را از نظر تشریفات و تجملات و هزینه‌ها در سطح متفاوت‌تری از مردم عادی برگزار می‌کرده‌اند، به گونه‌ای که گویا دو نوع عزاداری در جامعه قاجاری برپا می‌شده‌است. با بررسی ۲۲ سفرنامه، که براساس مشاهدات عینی سفرنامه‌نویسان تنظیم شده، این نتیجه به دست آمد که طبقه اشراف و اعیان از نظر مکان و شکل عزاداری و هزینه‌های جاری مراسم، آدام و رسوم متفاوتی با مردم عادی داشته‌اند.

### تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۴/۰۱

### تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۸/۱۷

### واژه‌های کلیدی:

قاجار،

سفرنامه‌نویسان،

عزاداری،

طبقه اشراف،

مردم عادی، محرم.

**استناد به این مقاله:** میرزایی، عباس؛ بلوردی، علی (۱۴۰۲). عزاداری اشراف و مردم عادی در آثار سفرنامه‌نویسان دوره قاجار. فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۱۳ (۴)، ۱۱۱-۱۲۶.



## ۱. مقدمه

محرم پرشورترین مراسم مذهبی ایرانیان در دوره قاجار است که برای اشراف، طبقات بالا، رجال و اعیان قاجار و همچنین مردم عادی اهمیت زیادی داشته‌است. این موضوع، از منظر نگاه به خود مراسم از جهاتی قابل بررسی است؛ مانند اینکه آنان این مراسم را چگونه، در چه مکانی، با چه آداب و رسومی، با چه محتوا و شکلی برگزار می‌کرده‌اند. درباره هر کدام یا حتی همه این موضوعات می‌توان براساس منابع تولیدشده در دوره قاجار پژوهش مستقلی انجام داد؛ منابعی همچون آثار مورخانی که در آن دوره تاریخ‌نگاری کرده‌اند، یا بررسی مطبوعات و نشریات آن دوره و یا روزانه‌نگارها و خاطرات که اعیان قاجار نگاشته‌اند. همه این‌ها ارزش علمی خاص خود را دارد، ولی در کنار این‌ها، یکی از منابع مهم، آثار سفرنامه‌نویسان خارجی است که در این دوره به فراوانی متونی را درباره وضع ایران و ایرانیان دوره قاجار نوشته‌اند. از قضا، این سفرنامه‌ها از چشم‌انداز دیگری اهمیت زیادی دارد؛ اول اینکه موضوع را از دید فرد ثالث که بیرون از فرهنگ شیعی و ایرانی است روایت می‌کند؛ دوم اینکه تلقی و برداشت خود را، احتمالاً بدون سوگیری خاصی، تبیین می‌کند؛ سوم اینکه چون این سفرنامه‌نویسان از نزدیک با عینیات جامعه و آنچه مردم انجام می‌دهند مواجهه داشته‌اند و به عبارتی گزارش‌هایشان برپایه مشاهدات عینی است، نقل آنان صحت روایی زیادی دارد؛ از این رو جزو منابع خاص در حوزه مطالعات مردم‌شناسی به شمار می‌آید.

این مقاله براساس ۲۲ سفرنامه که اروپاییان در دوره قاجار نوشته‌اند، تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که سنت‌های عزاداری اشراف و مردم عادی دوره قاجار در این آثار چگونه روایت شده‌است؟ آیا می‌توان میان این دو طبقه از جامعه، تفاوت‌هایی در آداب و سنت‌های عزاداری یافت؟ بررسی سفرنامه‌ها نشان می‌دهد خارجیان دوره قاجار، ناخودآگاه تفاوت‌هایی در آداب و رسوم میان طبقات بالا و اشراف و طبقات پایین و مردم عادی قائل شده‌اند و این برداشت می‌شود که چون اشراف و اعیان قاجار بیشتر در معرض ثروت بوده‌اند، مراسم عزاداری آنان با آداب متفاوتی در نحوه بزرگداشت مراسم از نظر هزینه‌ها و تجملات و شکل عزاداری‌ها همراه بوده‌است.

این ۲۲ سفرنامه عبارت‌اند از: (۱) سفرنامه ایران در یک قرن پیش از دکتر ویلز. وی مأموری انگلیسی است که در دوران حکومت ناصرالدین شاه به ایران یا به قول خودش کشور شیر و خورشید سفر کرده‌است؛ (۲) سفرنامه پیر لوتی، نویسنده و جهانگرد نامدار فرانسوی، به نام «به سوی اصفهان» که در سال ۱۹۰۴ نوشته شده‌است. وی در اواخر سده نوزدهم به حکم وزارت برون‌مرزی فرانسه مأمور شد به هند سفر کند. او از هند به ایران آمد و از اصفهان دیدار کرد؛ (۳) سفرنامه مری لیدی شیل، همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، که در سال ۱۸۵۱ وارد ایران شد؛ (۴) سفرنامه اوژن فالندن، شرق‌شناس و سیاستمدار و نقاش و معمار، که پس از پایان مأموریت سیاسی در اصفهان پا در

سفری طولانی گذاشت و در سال ۱۸۸۹ از دنیا رفت؛ ۵) سفرنامه فووریه، پزشک فرانسوی در گارد سلطنتی، که در سال ۱۸۳۰ درگذشت؛ ۶) سفرنامه ویلسون در جنوب غربی ایران. ویلسون در سال ۱۹۴۰ از صاحب‌منصبان امپراتوری بریتانیا بود که بخش مهمی از دوران خدمتش را در ایران و میان‌رودان سپری کرد. او اهل علم و تحقیق و ایران‌شناسی برجسته بود؛ ۷) سفرنامه ژنرال ساسکس، نویسنده و جغرافیدان انگلیسی، که خاطرات خود را به سال ۱۹۴۵ در ایران نگاشت؛ ۸) سفرنامه نیلتین بازیل با عنوان «ایرانی که من شناختم». او اهل لهستان و از جوانان خاورشناس روس و جزو نجبای پتروگراد و از کارمندان لایق وزارت خارجه روسیه بود که در سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۱۴ در ایران بود؛ ۹) سفرنامه هانری رنه دالمانی با عنوان «از خراسان تا بختیاری». دالمانی، سیاحی فرانسوی بود که در سفرنامه‌اش طرز زندگی و آداب و رسوم و اوضاع اداری و اجتماعی و اقتصادی و کشاورزی و صنایع ایران را تا پایان سلطنت قاجار به همراه تصاویری ثبت و ضبط کرد. او در سال ۱۹۰۷ میلادی با حکم وزارت فرهنگ فرانسه، مأمور تحقیق درباره آثار باستانی ایران شد؛ ۱۰) سفرنامه ادوارد گرانویل براون با عنوان «یک سال در ایران». ادوارد براون، شرق‌شناسی انگلیسی، که به دلیل تحقیقاتش درباره ایران مشهور است، این کتاب را که شامل برداشت‌هایی از زندگی و شخصیت و اندیشه مردم ایران است، در طی دوازده ماه اقامت در سال‌های ۱۸۸۷-۱۸۸۸ نگاشت؛ ۱۱) سفرنامه جیمز بیلی فریزر، نقاش و سیاح و سفرنامه‌نویس اسکاتلندی، که در سال ۱۸۲۱ وارد ایران شد و چند سال در ایران زیست. او در قم با لباس مبدل وارد حرم حضرت معصومه (س) شد، ولی در مشهد با کمک یک دوست روحانی، تبدیل به مسلمانی واقعی شد و توانست وارد حرم شود و بدون آنکه کسی مزاحمش شود، طرح‌هایی از حرم بکشد؛ ۱۲) سفرنامه بارون فیودور کرووف روسی که دوره فتحعلی شاه به ایران سفر کرد؛ ۱۳) سفرنامه ویپرت فون بلوشر با عنوان «گردش روزگار در ایران» که اثری قابل توجه از یک آلمانی درباره ایران و فرهنگ ایرانی است که تلاش کرده آن را به صورت بی‌طرفانه بنگارد؛ ۱۴) سفرنامه «خراسان و سیستان» نوشته بیت چارلز ادوارد. وی در ژوئیه سال ۱۸۹۳ کفیل کنسول بریتانیا در مشهد شد و از سپتامبر ۱۸۹۶ تا فوریه ۱۸۹۷ سرکنسول مشهد بود؛ ۱۵) سفرنامه دروویل گاسپار. وی در سال‌های ۱۸۱۲-۱۸۱۳ در پانزدهمین سال سلطنت فتحعلی شاه قاجار و ولایت‌عهدی عباس‌میرزا در ایران اقامت داشت؛ ۱۶) سفرنامه «ایران و ایرانیان» نوشته دکتر یاکوب ادوارد پولاک. وی از سال ۱۸۵۱ تا ۱۸۶۰ در ایران زندگی کرد و از سال ۱۸۵۵ به بعد پزشک مخصوص ناصرالدین شاه بود؛ ۱۷) سفرنامه «آدم‌ها و آیین‌ها در ایران» نوشته کارلا سرنا، سیاحی ایتالیایی، که در دوره ناصرالدین شاه در ماه نوامبر سال ۱۸۷۷ درست مقارن با سی‌امین سال سلطنت ناصرالدین شاه به ایران آمد؛ ۱۸) سفرنامه ساموئل گرین بنجامین به نام ایران و ایرانیان. او سرکنسول بنیان‌گذار سفارت آمریکا در ایران به شمار می‌رود. بنجامین در سال ۱۸۸۳ به تهران آمد و سفارت کشورش را در ایران تأسیس کرد و خود ۲۱ سال نماینده آمریکا در ایران بود؛ ۱۹) سفرنامه «ایران در

۱۹۳۹-۱۸۴۰» نوشته کنت دو سرسی لوران. وی در زمان محمدشاه قاجار به منظور انجام مأموریت سیاسی به ایران آمد. او در این خاطره‌ها، ضمن بررسی مسائل مختلف جاری در آسیای صغیر و ایران و همچنین بخش‌هایی از دو کشور عراق و سوریه امروزی، موقعیت‌های جغرافیایی و طبیعی و فرهنگی و انسانی شهرها و روستاهای مختلف ایران را شرح کرده‌است؛ (۲۰) سفرنامه چارلز جیمیز ویلسن. وی نزدیک به پانزده سال در ایران عهد ناصری به کار طبابت اشتغال داشت. این کتاب دربارهٔ اوضاع اجتماعی و اداری ایران در آن دوران است؛ (۲۱) سفرنامه «بیست سال در ایران» نوشته دکتر جان ویشارد، پزشک امریکایی در ایران در دوران سه پادشاه قاجار. وی در سه فصل اول کتابش، خاطرات و تجربیات حاصل از زندگی و طبابت در مناطق ناامن کردستان را بیان کرده‌است؛ (۲۲) سفرنامه گرترو بل با نام «تصویرهایی از ایران». گرترو بل افسر ارشد انگلیسی بود که در عراق فعالیت‌های گسترده‌ای داشت. او مدتی در ایران مأمور تهیه گزارشی دربارهٔ وضع سیاسی و اجتماعی ایران شد. او خاطراتش را در سفرنامه‌ای نگاشته و در آن اوضاع فرهنگی ایران را به خوبی توصیف کرده‌است.

دربارهٔ موضوع این مقاله سه اثر پژوهشی نگاشته شده‌است: (۱) مقاله «عزاداری در عصر قاجار» از نرگسی رضانی (۱۳۸۵) که در آن تلاش شده عزاداری دورهٔ قاجار به طور عمومی توصیف شود؛ (۲) مقاله «سیر تحول روضه و روضه‌خوانی دورهٔ قاجار» از فاطمه بینشی فر (۱۳۹۴) که در آن چگونگی برپایی مراسم روضه‌خوانی براساس سفرنامه‌های داخلی، خاطرات، زندگی‌نامه‌ها، روزنامه‌ها، کتاب‌های مذهبی و ادبی بررسی شده‌است؛ (۳) مقاله «دیدگاه سیاحان غربی به مراسم محرم در دورهٔ قاجار» از صادق آینه‌وند و مهدی حسام‌پور دهقان (۱۳۹۱) که در آن نحوه و علت دیدگاه سیاحان اروپایی به عزاداری در عهد قاجاریه بیان شده‌است.

بررسی آداب و رسوم عزاداری ایرانیان، از موضوعات مهمی است که باعث پیشبرد مطالعات قاجارپژوهی خواهد شد. همچنین افزون بر بازخوانی تاریخ اجتماعی ایران، زمینه‌ای برای روشنی تاریخ مذهبی ایران در دورهٔ قاجار است؛ موضوعی که به فهم اوضاع فرهنگی ایران این دوره کمک خواهد؛ دوره‌ای که از نظر فرهنگی، بسیار دستخوش تغییر است، ولی روش‌های عزاداری آن‌ها همچنان به صورت سنتی در حال برگزاری است؛ البته روش‌های جدیدی، همچون تعزیه، را می‌توان در این دوره مشاهده کرد. در ضمن، این بحث، حلقه‌ای از دوره‌های تاریخ عزاداری ایران را آشکار می‌سازد. همچنین نقش مدرن شدن جامعهٔ قاجاری در تغییرات سنت‌های عزاداری را تبیین خواهد ساخت. این موضوع بسیار قابل توجه است که طبقات بالای جامعهٔ قاجاری چون بیشتر در معرض مدرن شدن بودند، در نوع و سنت‌های عزاداری آن‌ها با مردم عادی تفاوت‌هایی وجود داشت؛ زیرا مسائل اجتماعی جدا از مسائل فرهنگی و طبقاتی جامعه نیست.

ما در این مقاله کوشیده‌ایم مشاهدات عینی سفرنامه‌نویسان را دربارهٔ ابعاد فرهنگی - دینی اشراف

طبقه بالا و مردم عادی در دوره قاجار مطالعه کنیم؛ منظری که جزو اتفاقات روزانه زندگی مردم ایران در ایام عزاداری امام حسین<sup>(ع)</sup> است. درباره اهداف این پژوهش هم می‌توان به تبیین چگونگی عزاداری ایرانیان و آداب و رسوم آنان در دوران قاجار از زبان سفرنامه‌نویسان اشاره کرد. نشان دادن اوضاع تاریخ اجتماعی در دوره قاجار و نیز تبیین سنت‌های عزاداری در دوره قاجار بین مردم و طبقه اشراف جامعه، از اهداف پژوهش حاضر بوده است.

## ۲. محرم و عزاداری دوره قاجار

سفرنامه‌نویسان اروپایی این‌گونه گزارش کرده‌اند که در تقویم ایرانیان، ماهی به نام محرم است که از روز یکم تا دهم آن مراسم باشکوهی برگزار می‌شود (کازاما، ۱۳۸۰: ۱۶۱). در این ماه، ایرانیان عزاداری توصیف‌برانگیزی می‌کنند. آنان در این مراسم یادبود، ذکر مصیبت امام حسین<sup>(ع)</sup> و خانواده‌اش در صحرائی کربلا را گرامی می‌دارند (همان). این ماه، دوره ماتم و ندبه و زاری ایرانی‌هاست (لیدی، ۱۳۶۸: ۷۰) که از روز یکم تا دهم آن مراسم باشکوهی برای برگزار می‌کنند (کازاما، ۱۳۸۰: ۱۶۱) در این ایام، مجالس روضه‌خوانی زیادی در همه جای ایران برگزار می‌شود و مداحان، جریان زندگی ائمه شیعه را با استفاده از شعر و نظم بیان می‌کنند و مردم هم می‌گیرند. این مراسم از زمان آل‌بویه، یعنی ۹۳۰ تا ۹۸۶ بعد از حضرت عیسی در ایران جریان داشته است (بنجامین، ۱۳۶۳: ۴۳۳). ویلسن<sup>۱</sup>، ایران‌شناس برجسته بریتانیایی، این مراسم ایرانیان را مراسمی جان‌سوز توصیف می‌کند که عامه پیروان تشیع در آن از حال طبیعی خارج شده و از مصیبتی که به خاندان علی<sup>(ع)</sup> وارده آمده عصبانی و ناراحت به نظر می‌رسند (ویلسن، ۱۳۶۳: ۱۰۱).

در این ایام ایرانیان آداب و رسوم ویژه‌ای دارند. آنان هرگز موهای خود را رنگ نمی‌کنند؛ به‌گونه‌ای در روزهای اول عزاداری از شستن موهای هم خودداری می‌کنند و حتی حمام هم نمی‌روند. ریش بلند آن‌ها به صورت رنگ‌های مختلف سفید، حنائی کم‌رنگ یا پررنگ درآمده است. به هر صورت نتیجه رنگ نکردن موقت موهای سر و ریشی که قبلاً رنگ می‌شد به هنگام سوگواری به علت رنگ نشدن به صورت بلند درمی‌آید و چهره نه‌چندان جالبی را ترسیم می‌کند. (ویلز، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۷) در این ماه تمام ساکنین ایران، از مرد و زن، بزرگ و کوچک، غنی و فقیر، شاه و گدا، در سرما و گرما به لباس سیاه ملبس می‌شوند. هرکسی هم که در توانش نیست که لباس مشکی بپوشد، بر یقه یا کلاه‌خود نوار سیاهی نصب می‌کند (ر.ک: ویلسن، ۱۳۶۳: ۲۶۵، پیر لوتی، ۱۳۹۷: ۱۷۵)

1. Wilson

## ۲. الف: عزاداری اشراف

شاهان قاجار، به طور خاص ناصرالدین شاه، هم مانند دیگر مردم این دوره به مراسم عزاداری توجه خاصی داشتند و شاید توده مردم متأثر از همان‌ها بودند که این دوره اوج رشد هیئت‌های مذهبی و عزاداری را می‌توان مشاهده کرد. (سایکس، ۱۳۹۹: ۳۰۳) کازما نقل کرده که در این عزاداری‌ها، حتی شاهان ایران و سربازان آن هم با تشریفات خاصی، در جلسه‌های چهارساعته عزاداری می‌کنند که تا غروب آفتاب طول می‌کشد. (کازاما، ۱۳۸۰: ۱۶۱) در این مراسم شخص شاه به‌طور کلی سیاه می‌پوشید و به سخنان واعظ گوش فرامی‌دهد. (جان ویشارد، ۱۳۹۹: ۱۶۲)

## ۲. الف - ۱. مکان‌های عزاداری

از علاقه‌مندی پادشاهان، رجال و اعیان قاجاریه بر پا شدن تکیه و مرسوم شدن تکیه سازی بود، که مشهورترین و مجلل‌ترین تکیه‌ها متعلق به دولت بود. به نظر می‌رسد عمده برگزاری مراسم محرم اشراف در دوره ناصری در تکیه‌ها بوده است. کارلا سِرنا<sup>۱</sup> ایتالیایی ماجراجوی دوره ناصری، در توصیف تکیه‌ای در تهران می‌نویسد:

« این ساختمان از لحاظ بزرگی، قابل تامل و نمای بیرون آن آجری است. داخل آن شکل سیرکی عظیم دارد و راه روهایی که کاخ دربار را به تکیه وصل می‌کند؛ درحالی که این دالان‌ها تاریک و پیچ در پیچ است. ورودی اصلی، به گونه‌ای معماری نو ایرانی است که متشکل از چند ده گنبد و طاق‌ها و برج‌های کوچک که با نمای رنگارنگ و شیشه‌هایی با قطعه کوچک تزیین شده و سبک بنا ظریف است. (کارلا سِرنا، ۱۳۶۲: ۱۸۴)

در نزدیکی تکیه، موقع مراسم محرم، چادر تکیه است؛ این چادر در نزدیکی درب خروجی قصر سلطنتی قرار داشت و در محرم ده روز تمام مراسم تعزیه داری آل عبا در آن برگزاری می‌شد. (فورریه، ۱۳۸۵: ۳۰) « البته اشراف به‌غیر از برگزاری مراسم عمومی در تکیه‌ها، در باغ‌های و عمارت‌های دربار هم مراسم خصوصی می‌گرفتند؛ به این صورت که مراسم روضه و تعزیه در محوطه باغ شاهی به شکل گرد برگزار می‌شود. در این مراسم عمارت را با چند ده‌هزار چراغ روشن می‌کنند، و در آنجا روضه‌خوان معتبری به منبر می‌رود. (فوروکاوا، ۱۳۸۵: ۹۰)

## ۲. الف - ۲. سبک‌های عزاداری

تعزیه‌خوانی یکی از شکل‌های عزاداری بود که اشراف به آن توجه جدی داشتند. لیدی شیلی همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه است و در سال م: ۱۸۵۱ وارد ایران شد. درباره این مراسم

1. Carla Serna

توضیح می‌دهد که شیعیان مصیبت وارد شده به اهل بیت پیامبر به قدری ایرانی‌ها را تحت تاثیر قرار داده است که جریان آن را به صورت یک برنامه نمایشی به اسم تعزیه در آورده‌اند. (لیدی، ۱۳۶۸: ۷۰) این برنامه در عصر ناصرالدین شاه رونق فزاینده و گسترده‌ای یافت و اجرای آن در سراسر کشور متداول گردید ولی اشراف و رجال قاجار توجه خاصی به این مراسم داشتند. البته به مرور این سبک از عزاداری در تمام ایران رواج پیدا کرد و برگزاری این مراسم را تنها نمی‌توان منحصر به شاهان و دربار دانست. گسترده‌گی اجرای این عزاداری در بیان درویل به این شرح آمده است: جلسه تعزیه میان گروه‌های متفاوت با تغییرات کمی انجام می‌گیرد، اما به هر حال پایه و شاخصه آن یکی است (دروویل، بی تا: ۱۴۱) این مراسم با آداب خاصی برگزار می‌شد. تعزیه در میدان بزرگی که میان آن سکوی بلندی با چوب برپا کرده بودند اجرا می‌شود. (کنت دو سرسی، بی تا: ۲۳۶) مدت تعزیه‌ها ده روز است ولی با علاقه و رغبت مردم به تعداد روزش افزوده می‌شود. (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۵) در تعزیه هر روز صحنه‌های مربوط به همان روز واقعه کربلا اجرا می‌شود. (کلنل چارلز ادوارد، ۱۳۶۵: ۱۳۵) این مراسم چهار ساعت طول می‌کشد و با غروب آفتاب تمام می‌شود. (فووریه، ۱۳۸۵: ۱۹۲) در ابتدای مراسم تعزیه هیئت موزیک چی قرار دارد که متناسب موقعیت آهنگ‌های محزون می‌نواختند و یک عده هم اطفال گاه گاه دسته جمعی اشعاری می‌خواندند. بعد از این مقدمات مراسم برگزار می‌شد. (فووریه، ۱۳۸۵، ص ۱۹۲) واعظی بالای منبر رفته مردم را وعظ می‌کند و برای درام حزن انگیز بعد حاضر شان می‌کند (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۱۷) فلاندن (شخصیتی شرق‌شناس، سیاستمدار، نقاش و معمار بود و در سال م: ۱۸۸۹ درگذشت) که از نزدیک شاهد یکی از این تعزیه‌ها بوده، می‌گوید: امروز اوج این نمایش یعنی شهادت حضرت امام حسین ع بود. بازیگران با ملاحظت و آهنگ و ژستی مخصوص شعر می‌خوانند و در مردم ایجاد شوری می‌نمایند. (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۵) دیگر سفرنامه‌نویسان هم توصیفات از این مراسم کرده‌اند. مثل این که کسی که نقش حسین بن علی<sup>(ع)</sup> بر گردن اوست، سرانجام از اسب پرتاب شد به زمین و سپس صحنه‌های مرتبط به جدا کردن سر امام حسین نمایش داده می‌شود. (کلنل چارلز ادوارد، ۱۳۶۵: ۱۳۵) سپس سربازان سرهای بریده امام و یارانش را، که در سینی‌های نقره‌ای گذاشته‌اند و بر رویشان پارچه نازکی کشیده‌اند، حمل می‌کنند (کارلاسرنا، ۱۳۷۳: ۱۶۱-۱۷۹) روز آخر تعزیه مراسم تدفین اباعبدالله و اهل بیتش در کربلا انجام می‌گیرد. گاهی احساسات و هیجان مردم در مراسم تعزیه خوانی به قدری شدت پیدا می‌کند که بازیگر نقش شمر را هدف ناسزا قرار می‌دهند؛ به گونه‌ای که حتی زنان هم به او نگاه بغض آلود و گاهی او را مورد ضربات مشت و لگد قرار می‌دهند. (لیدی، ۱۳۶۸: ۷۰) در این واقعه، امام حسین با زنان و بچه‌های خود به همراه هفتاد تن از یاران که اکثریت آن‌ها از بستگانش بودند به شهادت رسیده‌اند. (لیدی، ۱۳۶۸: ۷۱)

از خصوصیات مراسم تعزیه می‌توان به چند مورد اشاره کرد که قابل توجه سفرنامه‌نویسان قرار گرفته است. یک: تعزیه‌خوانی مورد تأیید روحانیون بوده است و آن‌ها در این مراسم شرکت و به تماشای



تعزیه‌ها می‌پرداختند. (پولاک، ۱۳۶۴: ۲۳۶). دو: حضور دربار در مراسم تعزیه، از جمله شخص شاه و دربار در مراسم شرکت می‌کردند. (فووریه، ۱۳۸۵: ۱۹۲). سه: بازی کردن نقش زنان به واسطه مردان در تعزیه یکی دیگر از موردهای قابل توجه، سفرنامه‌نویسان در عهد قاجار هست. رنه دالمانی (ساکن فرانسه و مامور مخصوص وزارت فرهنگ فرانسه در امور آثار تاریخی ایران است) اینگونه شرح می‌دهد: پسران نوجوان به جای زنان لباس بر تن می‌کنند بخاطر اینکه حضور زنان در این گونه تعزیه‌ها ممنوع است. (رنه دالمانی، ۱۳۳۵، ج ۱: ۱۹۴) چهار: موروثی بودن بازیگران مراسم تعزیه؛ دالمانی در این مورد بیان می‌کند: کسانی که تعزیه را اجرا می‌کنند دارای سابقه و ممارست زیاد در کار خود هستند و از کودکی تعزیه بازی کرده‌اند و در سن بالا به دیگران هم یاد می‌دهند و بالجمله تعزیه خوانی به گونه‌ای از پدر به فرزند به ارث رسیده است. (رنه دالمانی، ۱۳۳۵، ج ۱: ۱۹۵) خصوصیت آخر هم ممنوعیت اجرای بعضی از صحنه‌های تعزیه است زیرا آن را موجب هتک حرمت ائمه و بت پرستی می‌دانند (پولاک، ۱۳۶۴: ۲۳۶)

## ۲. الف - ۳. تجملات در عزاداری

اشراف دوره قاجار مراسم عزاداری را با تجملات خاصی برگزار می‌کردند. سفرنامه‌نویسان خارجی در توصیف عزاداری اشراف گفته‌اند که: در این مراسم بر تیرهای سقف، چادر سفید می‌کشند و داخل عمارت را با چند ده‌هزار چراغ و شمع روشن می‌کنند، و در آنجا روضه‌خوانی معتبر به منبر می‌رود. شاه، اعیان، اشراف و زنان حرم همه می‌آیند و موعظه آخوند را می‌شنوند. (فووریه کاوا، ۱۳۸۴: ۹۰) درباره این مراسم گفته شده که آن‌ها بسیار مجلل بوده (فیودور کورف، ۱۳۷۲، ص ۲۴۱) و با تشریفات خاصی در باغ‌های شاهان و همراه با اطعام‌ها است. (بروان، ۱۳۷۱: ۵۸۱) بزرگان سیاسی هم مانند شاهان مراسم عزاداری برگزار می‌کردند. به‌عنوان نمونه سفیر فرانسه از عزاداری در خانه امین‌السلطان گزارش کرده که: امسال در هفته‌های اول محرم من توانستم این مراسم را در خانه اتابک اعظم امین‌السلطان در تهران ببینم. سرتاسر حیاط بزرگ آن را چادری پوشانده شده است. (جان ویشارد، ۱۳۹۹: ۱۶۲). در این مراسم هزینه‌های زیادی انجام می‌شده و اطعام‌های فراوانی صورت می‌پذیرفته است. یکی از این سفرنامه‌نویسان اروپایی گزارش کرده که: در ایام محرم الحرام، علاوه بر انبوه جلسات ماتم و گریه برای امام حسین (ع)، تعدادی از حاکمین شهرها و ولایت‌ها، بخاطر احترام و حمایت تعزیه‌خوانی و روضه خوانی، پول زیادی را از جیب خود هزینه کرده و جلسه تعزیه‌خوانی مطلوبی را ایجاد می‌کنند. (ویلسن، ۱۳۶۳: ۲۶۵) ادوارد براون<sup>۱</sup> هم اشاره کرده که: امین‌السلطان مراسم روضه‌خوانی برپا کرد و در یک شب چهارصد دست خورشید پلو به عزاداران دادند. (بروان، ۱۳۷۱: ۵۸۱)

## ۲. الف - ۴. تأثیرات عزاداری

درباره تأثیرات عزاداری اشراف هم باید گفت طبیعتاً عزاداری در این سطح اثرات اجتماعی خاص خود را داراست. اطعام گسترده مردم، که احتمالاً مردم نیازمند میان آن‌ها بیشتر باشد، یکی از این تأثیرات است. (بروان، ۱۳۷۱: ۵۸۲)

همچنین یکی از تأثیرات جدی عزاداری اشراف، حضور اجتماعی زنان است. در مراسم مردم عادی، زنان قدرت حضور آشکار نداشتند ولی در مجالس عزاداری اشراف وضع فرق می‌کرد. به عنوان نمونه می‌توان به مجالس مسجد حاج شیخ عبدالحسین اشاره کرد که در آن چندین هزار زن شرکت می‌کردند. (دلیریش، ۱۳۷۶: ۷۲) نه فقط زنان عادی جامعه، بلکه زنان اشراف و اهل حرم سرا که هیچ‌گاه از دربار بیرون نمی‌آمدند، در این ایام حضور اجتماعی پیدا می‌کردند. زنان حرم در این مجالس شرکت می‌کردند و از سخنرانی و عاظ و مداحی مداحان استفاده می‌کردند. (فورویه کاوا، ۱۳۸۴: ۹۰) جمعیت زنان حتی از جمعیت مردان نیز بیشتر می‌شد. در تکیه دولت گاه‌جا به مردان نمی‌رسید. (گرتروود بل، ۱۳۶۳: ۴۳)؛ همچنین گرتروود بل که در زمان ناصرالدین شاه به ایران سفر کرده و در توصیف عزاداری زنان در سفرنامه اش بیان می‌کند:

روی سکو، مرثیه خوان با عمامه سفید و لباس بلند نشسته بود و توضیح و شرح نحو شهادت اهل بیت را با آهنگ خاص و حزن آوری می‌خواند. در پایین پای او زنان با چادرهای مشکی نشسته بودند به گونه‌ای که این چادرها به طور مرتب به دور خود جمع کرده و با سرهای پوشیده نشسته بودند و صورت خود را با روبند کتان سفید تا پایین روی دامنه‌شان آویزان بود؛ واعظ به بیان مصیبت ادامه می‌داد، و زن‌ها بخاطر رنج و غصه مصیبت که به امام حسین (ع) وارد شده است؛ خود را به پس و پیش تکان می‌دادند (گرتروود بل، ۱۳۶۳: ۴۴) و عزاداری می‌کردند.

## ۲. ب: عزاداری مردم عادی

سفیر فوق‌العاده فرانسه که در سال ش: ۱۲۵۵ به ایران سفر کرده بود در مورد محرم این‌گونه می‌گوید که مردم ایران ایام عزاداری را با شور زیادی انجام می‌دهند. (کنت، ۱۳۹۰: ۱۵۷) در این مراسم پرچمی مشکی در بالای سردر محل عزاداری نصب می‌شد و هر کس اعم از غنی یا فقیر می‌تواند آزادانه در این مجالس وارد شود. (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۳۵۱) پرچم‌های سیاه زیبا و کوچکی بر بالای ورودی خانه‌ها برای دعوت از عابرانی که عبور می‌کردند؛ نصب می‌شد (جان ویشارد، ۱۳۹۹: ۲۲) درب ورودی این مجالس پارچه گل‌دوزی کهنه و قدیمی کشیده شده است؛ این پرده با ابریشم زیبا و عجیب ایرانی دوخته شده و تصاویر و نقوشی نامنظم دارد و از این جهت به تخته‌هایی می‌ماند که در آغاز، چوبی بیش نبوده ولی بعداً به شکل درخت‌های سروی درآمده که

علامت عزا است و دیدن آنها انسان را متأثر می‌سازد. (لوتی، ۱۳۹۷: ۱۷۸) برخی از مردم در شب‌های عاشورا (محرم) پابره‌نه، کیسه با جعبه‌ای پر از شمع زیر بغل گرفته به محل‌های عزاداری می‌رفتند و چهل و یک شمع را به نیت نذر خود روشن می‌کردند. (فورواکوا، ۱۳۸۴: ۹۱)

## ۲. ب- ۱. مکان‌های عزاداری

یکی از خصوصیات عزاداری مردم عادی در دوره قاجار جلسات گسترده در نقاط مختلف جامعه ایرانی است؛ اولین مکان برگزاری عزاداری در منزل شخصی افراد برگزار می‌شود؛ برای نمونه پیرلوتی<sup>۱</sup> گردشگر فرانسوی، سفرنامه خود این‌گونه بیان می‌کند: پس از طی راهی طولانی، در میان سکوت محض کوچه‌ها، همراه دو نفر فانوس دار به درب خانه میزبان خود می‌رسیم. میان باغ کوچک و محصور این شخص، در روشنائی ماه و در پرتو نور چند چراغ که به شاخه‌های درختان یاس و داربست‌ها آویخته‌اند، مجلس عزا برپا است. در برابر خانه که از نظر پوشیده است، روی زمین را با قالی فرش کرده‌اند و بیست یا سی نفر که کلاه‌های سیاه بر سر دارند، مشغول عزاداری هستند. (پیر لوتی، ۱۳۹۷: ۱۷۵) دومین مکان عزاداری مسجد است؛ پیر لوتی در مورد مشاهداتش از مسجد این‌گونه می‌گوید: پس از آنکه به مرکز یکی از مجالس پر سروصدای عزاداری که صدایش شبیه به همهمه سواحل دریا و امروز نظیر آن در شهر زیاد است نزدیک می‌شویم به دسته‌هایی از مردم برمی‌خوریم که همه از یک‌طرف می‌آیند و دیدارشان تقریباً شگفت‌آور است. این مردم با فریاد و زاری مسجد بزرگ - که مرکز اصلی عزاداری است به خارج می‌شوند. از کوچه‌های تنگ می‌گذریم و از سردر هلالی شکلی وارد حیاط مسجدی که بزرگ به نظر می‌رسد می‌شویم. سه هزار نفر به یکدیگر چسبیده، با هم فریاد می‌زنند حسین حسین! حسین حسین! تمام جمعیت با صدای بلند فریاد می‌زنند. در انتهای مسجد درب بزرگ دیگری رو به شبستان باز می‌شود که در همه‌جا با کاشی‌های آبی معمولی تزیین شده است. (پیرلوتی، ۱۳۹۷: ۱۷۳)

یکی دیگر از مکان عزاداری مردم عادی در دوره قاجار بازار است؛ به این صورت که مردها در عزاداری بر سینه برهنه خود می‌کوفتند و اشک بر گونه‌هایشان سرازیر بود، و گاه به‌گاه کلمات نوحه‌خوان را به هم‌سرایی ختم و با ناله زمزمه ماندی وارد داستان روضه می‌شدند و این همراهی عزاداران به گونه‌ای بود که به دورترین نقطه چادر که در وسط بازار جهت عزاداری برپاشده بود می‌رسید. (گرترویدیل، ۱۳۶۳: ۴۲)

یکی دیگر از مکان عزاداری مردم عادی عصر قاجار میدان‌های شهرهاست است؛ پیرلوتی در سفرنامه به این مسئله اشاره کرده است: امروز روز ماقبل آخر عزاداری ایرانیان و فردا روز شهادت حسین بن علی<sup>(ع)</sup> است؛ بنابراین احساسات مذهبی به اوج خود رسیده است. در میدان، جلو مسجدی کوچک که

سردری گلین دارد، قریب به صد تن مرد، دایره‌وار، دور درویشی را گرفته‌اند. این درویش چیزی می‌خواند و مردم فریاد برآورده، سینه می‌زنند. (پیرلوتی، ۱۳۹۷: ۱۶۸) همچنین کنت دوسرسی<sup>۱</sup> سفیر فرانسه، در گزارشی شرح می‌دهد: در ابتدای ورود به میدان بزرگ، سکوی بلندی برپا شده‌است و در آن مکان عزاداری و نمایش تعزیه اجرا می‌شود (کنت دو سرسی، بی تا: ۲۳۶)

## ۲. ب- ۲. سبک‌های عزاداری

مردم عادی در دوره قاجار به صورت‌های مختلفی عزاداری می‌کردند که سفرنامه‌نویسان خارجی صورت‌های مختلفی از آنان را روایت کرده‌اند. یکی از نخستین این‌ها روضه‌خوانی است. مردم در دو ماه صفر و محرم مجالس روضه‌خوانی زیادی در همه جای ایران برگزار می‌کنند و ذاکرین متخصص روضه می‌خوانند. (نیلیتین، بی تا: ۱۲۸) مراسمی که آن را نوعی عبادت به شمار می‌آورند. (نیلیتین، بی تا: ۱۲۷) روضه‌خوانی توسط آخوندها، سیدها (فووریه، ۱۳۸۵: ۳۰۱)، درویشی‌ها، واعظ‌ها (پیرلوتی، ۱۳۹۷: ۱۶۸) و ملاها (فریزر، ۱۳۶۴: ۲۴۱) برگزار می‌شود. روضه‌خوان‌ها با خواندن اشعاری (پیرلوتی، ۱۳۹۷: ۱۶۸)، با نظم و نثر روی منبر (نیلیتین، بی تا: ۱۲۸) از جریان نینوا و اتفاقاتی که منتهی به آن است می‌خوانند و به تشریح و توضیح آن‌ها می‌پردازند به نحوی که این روش بیان جملات به همراه صدای موسیقی اجرا می‌شود (فریزر، ۱۳۶۴: ۲۴۱) و به هیجان درمی‌آورد و مردم با فریاد و ناله به او جواب می‌دهند. (پیرلوتی، ۱۳۹۷: ۱۶۸) عزاداران در مجلس روضه بسیار گریه می‌کنند. گاه گریه آن‌ها با صداهای غیرعادی و با اشک همراه می‌شود. موقعی که یکی از عزاداران شروع به گریه کرد بقیه هم با او همراهی می‌کنند. بعضی از قسمت‌های این برنامه بسیار عمیق و پراحساس اجرا می‌گردید. (لیدی، ۱۳۶۸: ۷۰) عزاداران اشک بر گونه‌هایشان سرازیر می‌شود و گاه‌به‌گاه کلمات نوحه‌خوان به همسرایی ختم و با ناله زمزمه ماندنی وارد داستان روضه می‌شدند که شدت و قدرت می‌یافت. صدای آنان تا به دورترین گوشه‌های چادر عزاداری می‌رسد و صدای «حسین حسین یا حسین» آنان بلند می‌شود. مراسم شدت می‌گیرد و حتی نوحه‌خوان عمامه را از سر برمی‌دارد و بر زمین می‌کوبد و همچنان می‌خواند و مردم فریاد مقطع طور «یا حسین یا حسین یا حسین» سر می‌دهند. (گرتروود بل، ۱۳۶۳: ۴۲).

در انتهای مراسم روضه سفره اطعام انداخته می‌شود که این اطعام را علاوه بر روضه‌خوانی محض احترام و تقویت روضه‌خوانی و عزاداری شهدا انجام می‌دهند. (چارلز ویلسن، ۱۳۶۳: ۲۶۵) چایی هم یکی از پذیرایی‌های مراسم روضه است. در مراسم عزاداری سماوری گذاشته‌اند و مستخدمان، پیوسته در فنجان‌های میناکاری چای ریخته، به عزاداران تعارف می‌کنند و تعدادی هم دایره‌وار روی قالی‌ها نشسته‌اند و قلیان می‌کشند. (پیرلوتی، ۱۳۹۷: ۱۷۵)

دومین صورتی از عزاداری مردم که سفرنامه‌نویسان خارجی توصیف کرده‌اند سینه‌زنی است. پیر لوتی<sup>۱</sup> (اهل فرانسه و نویسنده و جهانگرد نامداری است) در سفرنامه خود به این موضع اشاره و آن را این‌گونه توصیف کرده است: در میدان، جلو مسجدی کوچک که سر دری گلین دارد، قریب به صد تن مرد، دایره‌وار، دور درویشی را گرفته‌اند. این درویش چیزی می‌خواند و مردم فریاد برآورده، سینه می‌زنند. همه آن‌ها شانه و طرف چپ سینه را باز کرده به قدری محکم بر سینه می‌کوبند که گوشت بدنشان ورم کرده و پوست آن خون‌آلود شده‌است. صدای ضربه‌های دستان بر روی قفسه‌های سینه‌ها شنیده می‌شود. پیرمرد درویش با خواندن اشعاری، مصائب امام شیعیان را حکایت می‌کند و مردم با فریاد و ناله به او جواب می‌دهند. مردم بیشتر سینه می‌زنند و دایره مردم تنگ‌تر می‌شود و نوعی حرکت بی‌تابانه همراه با جست‌وخیز و با کوفتن‌های غیرارادی را شروع می‌کنند. ناگهان یکدیگر را در آغوش می‌کشند تا حلقه زنجیر گرد و به‌هم‌چسبیده‌ای را به وجود آورند. هر یک از ایشان با دست چپ پهلوی رفیق خود را گرفته است و در حالی که ناراحتی و اندوه سینه زنان در حال افزایش به‌گونه‌ای که محکم به دست راست به سینه می‌کوبند چهره برخی دیگر به منتها درجه زیبایی و عضلاتشان به آخرین حد فعالیت رسیده، چشمانشان افروخته شده و مانند آن است که در حال شهادت هستند. (پیرلوتی، ۱۳۹۷: ۱۶۸)

یکی دیگر از شکل‌های عزاداری در ماه محرم قمه‌زنی است. فووریه<sup>۲</sup> (اهل فرانسه، طبیب و جزء ارتش فرانسه بود؛ وی در سال م: ۱۸۳۰، در گذشت) در سفرنامه خود چنین می‌گوید: امروز که روز دهم محرم است روز قتل امام حسین بن علی است. مؤمنین قمه زدن را از دست نمی‌دهند. این مؤمنین که حتی در سفر هم مرتکب این عمل می‌شوند و از راه آمدن به این حالت در حالت در زیر آفتاب سوزان تابستان آن هم غالباً با پای پیاده بی‌می‌ندارند. (فووریه، ۱۳۹۸: ۳۹۰) عزاداران در روز عاشورا از روی احساسات و تعصب با آلاتی تیز یا قمه زخم‌های سنگین بر بدن خود وارد می‌آورند (فیودورکف، ۱۳۷۲: ۲۴۲) برخی دیگر ازین سفرنامه‌نویسان درباره‌ی این رفتار شیعیان این‌طور توضیح داده‌اند که شیعیان در مقام همانندی تجربه رنجی هستند که بر امام حسین ع گذشته است. آنان بر همین اساس بدن خود را با چاقو زخم می‌کنند و خون راه می‌اندازند. (کازاما، ۱۳۸۰: ۱۶۱) در این جلسه‌ی عزاداری پیراهن سفید می‌پوشند و چاقوهای تیز بر دست می‌گیرند و آن‌ها را بر سر خود می‌زنند به‌گونه‌ای که خون بر سر صورت می‌ریزد. (بلوشر، بی تا: ۸۷). چارلز ادوارد بیت<sup>۳</sup> (اهل بریتانیا و از افراد بانفوذ دولت بریتانیا در ایران محسوب می‌شود) در مورد قمه‌زنی در تمام رده سنی در میان شیعیان این‌گونه به موضوع اشاره می‌کند: بعد از دسته‌های قمه‌زن و کفن‌پوش، مواردی بچه کوچک که کفن به تن داشتند وارد شدند در حالی

1. pierre lotti  
2. February, June  
3. Beat, Charles Edward

که بسیار محکم تر قمه زده بودند؛ در آخر دسته، نوزادی سه‌ساله‌ای بود که همه ی سرخود را قمه زده بود و کل صورت او پر از خون شده بود، اما چاقوی او در دستش بود و در آغوش پدر او را از جلسه خارج کردند. (ادوارد بیت، ۱۳۶۵: ۱۳۴) قمه‌زنی اغلب به این صورت است که مردم همچنان که فریاد می‌زنند حسین، حسین و بر سینه می‌زنند و بازوهایشان را با کارد و قمه زخم می‌کنند و از تشنان خون می‌ریزد و در شهر راهپیمایی می‌کنند. (کازاما، ۱۳۸۰: ۱۶۱)

یکی دیگر از شکل‌های عزاداری در محرم‌الحرام راهپیمایی است؛ در این نوع مراسم مردم همچنان که فریاد حسین حسین می‌زنند، بر سینه‌زنان در شهر هم راهپیمایی می‌کنند. (کازاما، ۱۳۸۰: ۱۶۱) این راهپیمایی‌ها را در عزاداری دسته می‌نامند که در آن عده‌ای سینه می‌زنند و عده‌ای هم قمه می‌زنند؛ پیر لوتی در سفرنامه خود یکی از این نوع عزاداری را این‌گونه توصیف کرده است: از کوچه‌های تنگ می‌گذریم و از سردر هلالی شکلی وارد حیاط مسجدی می‌شویم. سه هزار نفر به یکدیگر چسبیده، با هم فریاد می‌زنند حسن حسین! و سینه می‌زنند؛ در انتهای مسجد درب بزرگ دیگری رو به شبستان باز می‌شود و عزاداران دسته‌دسته وارد مسجد می‌شوند. (پیر لوتی، ۱۳۹۷: ۱۷۳-۱۷۵)

در دسته‌های عزاداری علم برداری هم اجرا می‌شود؛ این کار توسط افرادی که از جثه قوی برخوردار بودند انجام می‌شود. این قسمت از مراسم را کمتر کسی قادر به انجام آن است. علم برداران علم‌ها را جلوی هیئت بر بدن خود به طور عمودی قرار داده و آن را با پارچه منحصر بسته و جابجا می‌کنند (دو سرسی لوران، ۱۳۹۰: ۱۳۷)

## ۲. ب- ۳. تأثیرات عزاداری

انجام مراسم در سطح مردم عادی تأثیرات قابل توجهی داشت. تلاش مردم برای برگزاری بهترین حالت مراسم گذشت و ایثار از اموال و لباس‌های خود جهت انجام هر چه بهتر این مراسم تنها بخشی از اثرات فردی این عزاداری مردم عادی است. (ر.ک: فورو کاوا ۱۳۶۴: ۹۰) در این مراسم مردم هر چه که دارند به میان می‌آورند و تلاش می‌کند از همه داشته‌های خود برای این مراسم مایه گذارند. (ر.ک: پیر لوتی، ۱۳۹۷: ۱۷۵) تأثیرات مراسم عزاداری برای مردم عادی از جهت معرفتی و دینی نیز قابل توجه است. این مراسم در عمیق شدن باورهای اعتقادی آنان نیز موثر است ولی در کنار این تأثیر، باید به تأثیرات احساسی و روانی دینی مردم نیز اشاره کرد. (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۵) تهیج احساسات هنگام برگزاری مراسم به اندازه‌ای بوده که توجه سفرنامه‌نویسان را به خود جلب کرده است. گریه‌های شدید مردم از روایت کشته شدن فرزندان امام حسین ع و یا بغض و کینه علیه قاتلان ایشان از جلوه‌های برجسته این مراسم بوده است. (لیدی، ۱۳۶۸، ص ۷۰) اوج این تأثیرات را می‌توان در آسیب‌های بدنی دانست که مردم عادی، هنگام برگزاری این مراسم، بر خود وارد می‌کردند که نشان از عمق تأثیرگذاری این مراسم است. (فیودورکف، ۱۳۷۲، ۲۴۲)

### ۳. نتیجه

این مقاله درباره تبیین عزاداری ایرانیان در دوره قاجار براساس نوشته‌های اروپاییانی است که در این دوره به ایران سفر کرده‌اند. با استخراج و بازخوانی این گزارش‌ها تلاش شده که تصویری از این سنت مذهبی ترسیم شود که ایرانیان در دوره قاجار بر پایه چه آداب و رسوم این مراسم را برگزار می‌کردند. بررسی‌ها نشان داد که دو طبقه اشراف و توده مردم مراسم محرم را به صورت یکسانی برگزار نمی‌کردند. به نظر می‌رسد که اشراف متأثر جایگاه و برخورداری‌های مالی نسبت به توده مردم، در سطح متفاوتی مراسم را برگزار می‌کردند به این معنا که ثروت طبقه اشراف در صرف هزینه‌های هنگفت در مراسم عزاداری (اطعام‌های فراوان)، تشکیل بودن فرم عزاداری (تعزیه خوانی‌ها)، مجلل بودن محل عزاداری (تکیه‌ها، باغ‌ها و عمارت‌ها) نقش و اثر مستقیمی دارد به گونه‌ای که گویا رابطه نزدیکی میان جایگاه قدرت و ثروت از یک سو و نحوه برگزاری مراسم عزاداری در دوره قاجار وجود دارد. در مقابل، بررسی مشاهدات عینی سفرنامه‌نویسان نشان می‌دهد، مردم عادی بدور از این تشریفات و به صورت ساده و سنتی، مراسم را برگزار می‌کردند. این موضوع می‌تواند با جریان‌های نوسازی و مدرن شدن جامعه ایرانی در دوره قاجار هم مرتبط باشد؛ موضوعی ارتباط آن با بحث نحوه عزاداری می‌تواند خود موضوعی برای پژوهش دیگری باشد.

### منابع

- آیین‌نویس، صادق و دهقان حسام پور، ۱۳۹۱، دیدگاه سیاحان غربی به مراسم محرم در دوره قاجار پدیدآورنده، نشریه پارسه، صص ۱۵.
- کازاما، ۱۳۸۰، سفرنامه و خاطرات آکی نو کازاما نخستین وزیر مختار ژاپن در ایران، ترجمه هاشم، ایران، تهران. بلوشر، ویپر، بی تا، سفرگردش روزگار در ایران، ترجمه سجیه انداری، تهران، خوارزمی.
- بیت، چارلز ادوارد، ۱۳۶۵، سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه قدرت الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری، تهران، یزدان.
- براون، ادوارد گرانویل، ۱۳۷۱، یکسال در میان ایرانیان، ترجمه ذبیح الله منصوری، تهران، صفار.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر، ۱۳۶۳، ایران و ایرانیان، ترجمه رحیم رضازاده ملک، بی جا.
- بلوردی، علی، ۱۴۰۰، پایانامه بررسی انتقادی سفرنامه‌نویسان دوره قاجار از اخلاق ایرانیان بر مبنای اخلاق اسلامی تهران، دانشگاه شهید بهشتی، صص ۸۰-۱۲۰.
- بیشی فر، فاطمه؛ سیر تحول روضه و روضه خوانی دوره قاجار؛ تاریخنامه خوارزمی زمستان ۱۳۹۴ - شماره ۱۰ (26) صفحه - از ۴۷ تا ۷۲
- پولاک، یاکوب ادوارد، ۱۳۶۱، سفرنامه ایران و ایرانیان، ترجمه کاوس جهاننداری، تهران، خوارزمی.
- پیرلوتی، ۱۳۹۷، به سوی اصفهان، ترجمه درالدین کتابی، تهران، اطلاعات.

- دالمانی، هانری رنه، ۱۳۳۵، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ج ۴، ترجمه آقای فره وش، ایران، گیلان.
- دلریش، بشری، ۱۳۷۶، *زن در دوره قاجار*، تهران، سوره مهر.
- دروویل، گاسپار، بی تا، *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محیی، تهران، کیهان.
- دلریش، بشری، ۱۳۷۶، *زن در دوره قاجار تهران*، تهران، سوره مهر.
- سرپرست، سایکس، ۱۴۰۰، *سفرنامه و زندگی نوراالله خلف مرحوم محمد حسین اصفهانی*، تهران، فیروزه.
- سایکس، پرسی مولزورث، ۱۳۹۵، *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران*، ترجمه حسین سعادت‌نوری، تهران، دنیای کتاب.
- لیدی، مری شیل، ۱۳۶۸، *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو.
- فلاندن، اوژن، ۱۳۵۶، *سفرنامه اوژن فلاندن*، ترجمه حسین نور صادقی، تهران، اشراق.
- فوریه، ژوانس، ۱۳۸۵، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، دنیای کتاب.
- فریزر، جیمیز، ۱۳۶۴، *سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی*، ترجمه دکتر منوچهر امیری، تهران، توس.
- کورف، فیودور، ۱۳۶۴، *سفرنامه بارون*، ترجمه اسکندر ذبیحان، تهران، فکر روز.
- کارلا سرنا، مادام، ۱۳۶۲، *سفرنامه آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، ترجمه علی اصغر سیدی، تهران، چاپ نقش جهان.
- کت، دو سرسی لوران، ۱۳۹۰، *ایران در ۱۹۳۹ - ۱۸۴۰ م*، تهران، ناشر.
- گرتروید بل، ۱۳۶۳، *تصویرهایی از ایران*، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران، خوارزمی.
- نرگسی رضانی، رضا، ۱۳۸۵، *عزاداری در عصر قاجار*، مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش، صص ۵۳ - ۹۰.
- نیلیتین، بازیل، ۱۳۹۰، *ایرانی که منشناخته ام*، ترجمه آقای فره وش، بی جا، تهران، معرفت.
- نیلیتین، بی تا، *ایرانی که منشناخته ام*، ترجمه فره وش، تهران، معرفت.
- نوبویوشی، فورو کاوا، ۱۳۸۴، *عضو هیات اجرایی نخستین سفارت ژاپن به ایران در دوره قاجار*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ویلسون، ورنولد تالبوت، ۱۳۹۴، *تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غرب ایران*، ترجمه فریبرز ساکی‌مهر، تهران، شاپورخواست.
- ویلز، ۱۳۸۸، *ایران یک قرن پیش*، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران، اقبال.
- ویلسن، چارلز، ۱۳۶۳، *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجار*، تهران، زرین.
- ویشارد، جان، ۱۳۹۹، *بیست سال در ایران*، تهران، پل فیروزه.